

انگیزه و اندیشه استکشاف و تولید عرفان اهل بیتی

عرفان اهل بیتی عرفانی است که در صورت تکوین و تکامل می تواند کاربست فراوانی در حیات طیبیه فردی و اجتماعی داشته، بنیاد فرهنگ و تمدن نوین اسلامی شود؛ عرفانی که از گزاره های عرفانی اعم از نظری و عملی شروع و به نظام معرفتی و سلوکی منتهی شده و دانش عرفان را در دو ساحت علمی و عملی تولید کند.

انگیزه نویسنده در خصوص عرفان اهل بیتی این بود که با وجود عرفان تاریخی اسلامی یا عرفان اصطلاحی موجود که دارای ارزش معرفتی و سلوکی غنیم و قویمی است و در توسعه، تعمیق و تعالی فرهنگ و تمدن اسلامی نقش بسزا و کارکردهای شایانی داشت و دارد، انگیزه ای دانشی، ارزشی و معرفتی - سلوکی است تا عرفانی تولید شود که منبع تولید آن کتاب و سنت باشد نه کشف و شهود عرفانی عارفان، تا هم از حیث روشی بر روش و حیانی و هم از حیث دانشی - اعم از دانش عرفان نظری و عملی — دارای اعتبار معرفت شناختی بالا و هم از حیث ارزشی از حجیت ارزش شناختی والایی برخوردار باشد. انگیزه این بود که عرفانی تولید شود تا خلأ شناختی و زیستی را برای همگان — مؤمنان اهل معرفت و سلوک — پر کند؛ زیرا عرفان برساخته از منابع و حیانی و برخاسته از نصوص دینی یا مورد مناقشه این شخصیت و جریان و آن شخصیت و جریان نیست یا مقبول اکثر

مؤمنان در مراکز آموزشی و پژوهشی و عموم جامعه اسلامی است و از ظرفیتی برخوردار است که می‌تواند نیازهای معنوی همه آحاد جامعه را با همه استعدادها و استحقاق‌هایشان پوشش دهد و نیز معنویت اجتماعی را رقم زده، از ادبیات کاملاً دینی و دور از استحسانات و ذوقیات و تفسیر به رأی‌ها در ابلاغ و القای معارف باطنی و حقایق انفسی و رقایق سلوکی استفاده کند.

عرفان اهل بیته در کتاب و سنت با دو فهم عرفانی در ساحت عرفان نظری و فهم سلوکی در عرفان عملی قابل استناد، اصطیاد و استنباط خواهد بود؛ زیرا کتاب و سنت از لایه‌های متکثر متناظر با هم برخوردار بوده، ظواهر و بواطن آن دارای انشای با هم و استحکام ادراکی‌اند.

بنابراین روش اجتهادی تولید عرفان اهل بیته، روش سه‌گانه استناد، اصطیاد و استنباط است که مانع‌الجمع نبوده، قابلیت ترکیب دارند و روش دانشی تولید عرفان اهل بیته نیز روش ترکیبی نقلی (آیات، روایات و ادعیه)، عقلی (استدلالی برهانی) و عرفانی (کشفی شهودی) می‌باشد.

در هر دو روش همه الزامات و شرایط اجتهادی وجود داشته، قابلیت استكمال خواهد داشت؛ بنابراین در استکشاف عرفان اهل بیته از قرآن، نهج البلاغه، صحیفه سجادیه، توحید صدوق، کتاب التوحید کافی، وافی، عیون اخبار الرضا^ع و مجامع حدیثی و ادعیه حیات بخش با همه شرایط تحصیلی و حصولی عملیات استناد، اصطیاد و استنباط صورت خواهد گرفت و از این منابع غنیم و قویم مثل مواجهه با اصول کافی و دیگر کتب معتبر حدیثی و کتب متداول ادعیه‌ای برخوردار خواهد شد.

عرفان اهل بیته تنها به معنای عرفان برگرفته از احادیث و روایات نیست، بلکه عرفانی ثقلینی و کتاب و عترتی است. «عرفان اهل بیته» یعنی عرفان در مکتب اهل بیت^ع یا رشحاتی از رقایق عرفان اهل بیت^ع و اشراقاتی از حقایق آن ذوات فوق ملکوتی و تجلیاتی

از دقایق معرفتی - سلوکی آن انسان‌هایی که «لیس کمثلهم شیء»، مانند فقه اهل بیت علیهم‌السلام . در این عرفان نه نظریه «حسبنا کتاب الله» و نه نظریه «کفانا احادیثنا و اخبارنا» مقصود و مورد نظر است و نه قرآنی از عرفان اهل بیته که به نفی عرفان تاریخی موجود بینجامد و نه عرفان اهل بیته که اثبات محض عرفان اسلامی موجود اصطلاحی با استناد صرف به آیات و ذکر شواهد روایی و نیایشی خواهد بود.

بنابراین عرفان اهل بیته مورد نظر از جهت انگیزشی در مواجهه با عرفان اسلامی اصطلاحی تاریخی موجود سلبی محض یا ایجابی صرف نیست، بلکه عرفان مولود از منابع و حیاتی در «مقام تولید» با بهره‌گیری از معارف عرفانی پیرایش شده تاریخی در «مقام تبیین» است.

اندیشه عرفان اهل بیته نیز طی فرایندی منطقی در مراحل گوناگون با برایندهای معطوف به هم خواهد بود. در این اندیشه بناست هستی‌شناسی، انسان‌شناسی، معرفت‌شناسی، زبان‌شناسی و غایت‌شناسی عرفانی در دو ساحت نظری و عملی به صورت منظومه‌ای تولید شود که نمونه‌ای از آن را علامه جوادی آملی در دیدار با اعضای شورای علمی همایش عرفان اهل بیته فرمود. همان‌گونه که معظم له از حیث روشی و مهارتی مدل بسیار خوبی را ارائه داده‌اند؛ آنجا که در دیدار یادشده به سه نکته مهم اشاره فرمودند:

الف) «دو بحث است: یکی اینکه موضوع عرفان چیست؟ هستی‌شناسی است. یکی اینکه معرفت‌شناسی آن چیست و از چه راهی بشناسیم؟ علم تجربی است یا علم نظری است یا تصور و تصدیق می‌خواهد یا منطقی می‌خواهد، چه می‌خواهد؟ مثلاً فقه، اصول می‌خواهد، عرفان چه می‌خواهد؟ آن معرفت‌شناسی را هم مشخص می‌کند. پس موضوع عرفان که حق است، یعنی موجود نامتناهی. وقتی موجود نامتناهی شد، کل این صحنه برمی‌گردد می‌شود آیت، علامت، نشانه و همه او را نشان می‌دهند».

ب) استاد بعد از بیان و تبیین برخی روایات توحید صدوق فرمود: «فَتَحْصَلْ أَنْ هِيَهْنَا

أمرین»: موضوع عرفان «هو أَكْبَرُ مِنْ أَنْ يوصَفَ» است نه «أَكْبَرُ مِنْ كُلِّ شَيْءٍ» و طریق عرفان هم شهود ذات است. شهود است، نه علم حصولی؛ رؤیت است، برهان و علم حصولی و مانند آن نیست. در قسمت‌های دیگری هم مسئله علم حصولی و حضوری را جداگانه مطرح کردند. آن وقت اگر بخواهد عرفان عملی بیان بشود، به صورت عرفان نظری بیان بشود. آن وقت این جمله که انسان بخواهد چیز دیگر را ببیند باید همیشه چشم باشد».

ج) پس شده سه اصل: موضوع عرفان، حق است که "اکبر" اکبر تعیینی است نه تفصیلی. معرفت‌شناسی آن هم شهود است و تا شاهد در بین است، خبری از شهود نیست، چون او خودش را دارد می‌بیند. «لَيْسَ بَيْنَهُ وَ بَيْنَ خَلْقِهِ حِجَابٌ غَيْرُ خَلْقِهِ أَحْتَجَبَ بِغَيْرِ حِجَابٍ مَحْجُوبٍ وَ اسْتَتَرَ بِغَيْرِ سِتْرٍ مَسْتُورٍ».

از سوی دیگر تعبیری سلوکی در خصوص منازل و مقامات و احوال به وفور در روایات به آن اشاره شده است؛ از جمله در روایتی امام صادق علیه السلام می‌فرمایند: «إِنَّ الْمُؤْمِنِينَ عَلَى مَنَازِلَ: مِنْهُمْ عَلَى وَاحِدَةٍ، وَ مِنْهُمْ عَلَى اثْنَتَيْنِ، وَ مِنْهُمْ عَلَى ثَلَاثٍ، وَ مِنْهُمْ عَلَى أَرْبَعٍ...» (کلینی، کافی، ج ۲، ص ۴۵) و در فرازی دیگر می‌فرمایند: «إِنَّ الْإِيمَانَ عَشْرُ دَرَجَاتٍ بِمَنْزِلَةِ السَّلَامِ يَضَعُدُ مِنْهُ مِرْقَاةٌ بَعْدَ مِرْقَاةٍ فَلَا يَقُولَنَّ صَاحِبُ الْإِثْنَيْنِ لِصَاحِبِ الْوَاحِدِ لَسْتُ يَنْتَهِي عَلَى شَيْءٍ حَتَّىٰ إِلَى الْعَاشِرِ...» (همان، ص ۴۶) و در روایتی دیگر داریم: «الْإِيمَانُ حَالَاتٌ وَ دَرَجَاتٌ وَ طَبَقَاتٌ وَ مَنَازِلٌ فَمِنْهُ التَّمَامُ الْمُنتَهَى تَمَامُهُ وَ مِنْهُ النَّاقِصُ الْبَيِّنُ نُقْصَانُهُ وَ مِنْهُ الرَّاجِحُ الرَّائِدُ رُجْحَانُهُ...» (همان، ص ۳۴) و در نهایت این روایت که می‌فرماید: «الزُّهْدُ عَشْرَةٌ أَجْزَاءٍ أَعْلَى دَرَجَةِ الزُّهْدِ أَدْنَى دَرَجَةِ الْوَرَعِ...» (همان، ص ۵۲).

در همین راستا و نیل به هدف مذکور، شماره پیش روی فصلنامه کتاب نقد، حاوی گزارش نشست علمی «امکان‌سنجی و منطق اکتشاف عرفان اهل بیته علیهم السلام» و سه

پیش همایش با عناوین ذیل است: ۱. عرفان اهل بیت علیهم السلام یا عرفان اهل بیته؛ ۲. عرفان اهل بیته با موضوع عرفان اسلام یا اسلامی؛ ۳. نسبت شناسی اندیشه های عرفانی علامه حسن زاده آملی (رض) با مکتب اهل بیت علیهم السلام. مقالاتی با عناوین زیر به نگارش درآمده است: ۱. ارتباط اهل بیت علیهم السلام با زُهاد نخستین؛ ۲. فلسفه عرفان نظری اهل بیته؛ ۳. درباره عرفان عملی اهل بیته. امید است شماره سوم اختصاص یافته به همایش عرفان اهل بیته (ماهیت، ضرورت) مانند شماره اول و دوم در تبیین ماهیت، منطق و ضرورت عرفان اهل بیته مفید و سازنده باشد؛ به فضل الهی.

۹



سید
رضا
موسوی
پنجاب

والحمد لله رب العالمین

محمدجواد رودگر

۱۴۰۱/۱۰/۲۱